MEJDS. 2020; 10:163.

Published online 2020 Nov. **Research Article**

Designing an Entrepreneurial Desirable Pattern for Individuals With Physical Disabilities Using an Entrepreneurial Outlook

Vafaei AR[1], *Cheraghali MR[2], Hosseini SMR[3], Mostaghimi MR[4]

Author Address
1. PhD Student in Entrepreneurship-Public Sector, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran;
2. PhD in Human Resource Management, Assistant Professor, Department of Management, Golestan University, Gorgan, Iran;
3. PhD in Economics, Assistant Professor, Department of Economic, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran;
4. PhD in Human Behavior Management, Assistant Professor, Department of Management, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran.
***Corresponding author's email:** M.cheraghali@gu.ac.ir

Received: 2020 Jun 1; **Accepted:** 2020 August 17

Abstract

Background & Objectives: In recent years, the number of individuals with disabilities has increased. Different causes lead to serious paralysis or disadvantages in individuals. Having job opportunities profoundly affects the life quality of individuals with disabilities. A suitable job is a requirement to bring this group back to society. The first step in this procedure is to determine some entrepreneurial patterns for this population. An entrepreneurial pattern is to discover opportunities and using them in different socioeconomic and cultural areas; it is meant to generate the foundation of sustainable development. Entrepreneurship is considered an essential factor in economic growth. Besides, developing entrepreneurial patterns significantly impacts the economic development of societies. Therefore, the current study aimed to design a suitable pattern for individuals with disabilities by considering entrepreneurship approaches.

Methods: In terms of results, this research was basic, because it used data–based theories to find and present entrepreneurial patterns for individuals with disabilities. Furthermore, this was study exploratory research concerning purpose, and a qualitative study given the used data. The data collection tool was semi–structured interviews. To collect the required data, 28 interviews were conducted with entrepreneurs and managers with disabilities as well as rehabilitation center funders and directors. These interviews were recorded and fully analyzed. Sampling in data–based studies is performed by theoretical sampling method, i.e., used in this study, as well. Data analysis was performed in three phases, as follows: open coding, axial coding, and selective coding. Accordingly, the qualitative pattern of the study was designed. The data analysis method was according to a data–based approach and performed by coding and categorizing. Initially, interviewing the study subjects led to an understanding of the issue, and observing the directors' performance brought depth to this understanding. Relying on these data, after extracting categories, the conceptual model of the study was generated. Three steps of open, axial, and selective coding were performed on the data. For this purpose, first, the data were read line by line, and open codes, i.e., the words of the study participants were extracted. Next, common categories along with those considered important categories were identified as the final codes. Axial coding connects categories and subcategories according to their characteristics. To discover how these categories were related to each other, Strauss and Corbin′s analysis tools (1998) were used.

Results: A total of 28 participants (20 men & 8 women) were enrolled in this study. Their mean±SD age was 46±10.43 years. Eight of the study participants held bachelor's, 10 master's, and the other 10 held PhD degrees. The present study findings indicated that the extraction of 370 codes or the initial concepts of the interviews, as well as the enumeration of 16 concepts and 6 basic categories, were classified as paradigmatic methods. Basic categories included behavioral, broker, and structural attitudes. In this research, three concepts, including readiness to change, the complexity of entrepreneurship processes, and entrepreneurship environment requirements were the experimental causes that establish causal conditions for the entrepreneurship of individuals with disabilities. In this study, the intellectual paradigm of entrepreneurship section, the structural procedures of entrepreneurship and rules, as well as the regulations of entrepreneurship are considered as the main fundamental characteristics for the entrepreneurship management of individuals with disabilities. Moreover, the thinking styles of pioneer directors, being informed of different entrepreneurship tools, and the stability of administrators are considered as interfering conditions; process changes, the valuation of entrepreneurship, and informing as also strategies. In the end, the self–actualization consequences, creativity and innovation consequences, and new directors' mindsets are considered as outcomes.

Conclusion: Based on the present study findings, a designed paradigm pattern by an entrepreneurship approach for individuals with disabilities, could provide job opportunities and job independence for them.

Keywords: Entrepreneurship, Physical disability, individuals, Desirable pattern.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۹؛ (۱۰):۱۶۳.

انتشار برخط آبان‌ماه ۱۳۹۹ مقاله پژوهشی اصیل

طراحی الگوی مطلوب برای معلولان جسمی‌حرکتی ایران با استفاده از رویکرد کارآفرینی

احمدرضا وفایی[۱]، *محمودرضا چراغعلی[۲]، سیدمحمدرضا حسینی[۳]، محمودرضا مستقیمی[۴]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری کارآفرینی ـ بخش عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول، علی‌آباد کتول، ایران؛

۲. دکتری مدیریت منابع انسانی، استادیار گروه مدیریت، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران؛

۳. دکتری علوم اقتصادی، استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول، علی‌آباد کتول، ایران؛

۴. دکتری مدیریت رفتار انسانی، استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول، علی‌آباد کتول، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** M.cheraghali@gu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۲ خرداد ۱۳۹۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۷ مرداد ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: فرصت برای کار از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی افراد دچار معلولیت جسمی است. داشتن شغل مناسب، پیش‌شرط لازم برای بازگرداندن افراد دارای معلولیت جسمی به آغوش جامعه است. هدف از این تحقیق، طراحی الگوی مطلوب و مناسب برای معلولان جسمی‌حرکتی ایران با استفاده از رویکرد کارآفرینی بود.

روش‌بررسی: این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش تحقیق داده‌بنیاد انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. به‌منظور گردآوری اطلاعات، با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری هدف‌مند با ۲۸ نفر از کارآفرینان دارای معلولیت، مدیران و برنامه‌ریزان مرکزهای آموزش و توان‌بخشی معلولان، مصاحبه انجام شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در سه مرحلهٔ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. براساس آن، الگوی کیفی پژوهش طراحی شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر، نشان‌دهندهٔ استخراج ۳۷۰ کد یا مفهوم اولیه از مصاحبه‌ها و نیز احصای ۱۶ مفهوم و ۶ مقولهٔ اصلی بود که به‌صورت روش پارادایمی دسته‌بندی شدند. قالب مدل پارادیمی شامل مقولهٔ محوری (نگرش‌های رفتاری، نگرش‌های کارگزاران و نگرش‌های ساختاری)، شرایط علّی (آمادگی برای تغییر، پیچیدگی فرایندهای کارآفرینی، الزامات محیط کارآفرینی)، عوامل زمینه‌ای (پارادایم فکری بخش کارآفرینی، مسائل ساختاری کارآفرینی، قوانین و مقررات کارآفرینی)، شرایط مداخله‌گر (شیوهٔ تفکر مدیران عالی، آگاهی از ابزارهای مختلف کارآفرینی، ثبات مدیرتی)، راهبردها (تغییرات فرایندی، ارزش‌گذاری کارآفرینی، آگاهی‌بخشی) و پیامدها (پیامدهای خودشکوفایی، پیامدهای نوآوری و خلاقیت، پیامدهای تفکر مدیران جدید) شناخته شد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، الگوی طراحی‌شدهٔ پارادایمی با استفاده از رویکرد کارآفرینی برای افراد دارای معلولیت، اشتغال و استقلال شغلی به‌همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، معلولان جسمی‌حرکتی، الگوی مطلوب.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار ـ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

۱ مقدمه

افراد دارای معلولیت[1] قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند. براساس داده‌های سازمان جهانی کار، ۱۵درصد از افراد جامعه را معلولان در بر می‌گیرند. تا زمانی که این گروه از جامعه طرد شوند و در چرخهٔ اشتغال و تولید قرار نگیرند، تنها ممکن است به افرادی مصرف‌کننده تبدیل شوند. آن‌ها اغلب در بسیاری از زمینه‌ها تحت تبعیض قرار می‌گیرند (۱). افراد دارای معلولیت باتوجه به توان‌مندی‌های خود می‌توانند همانند دیگر افراد غیرمعلول جامعه در اکثر مشاغل فعالیت کنند؛ بنابراین خوداشتغالی می‌تواند درآمدی مستمر برای معلولان باشد (۲). از آغاز دههٔ ۱۹۸۰، هجوم به سوی کارآفرینی[2] از طرف سازمان‌ها و مدیران برای بقا و نوآوری و رقابت شروع شد و کارآفرینی مدنظر مدیران ارشد قرار گرفت تا این سازمان‌ها بتوانند به فرایند اختراع، نوآوری و تجاری‌کردن محصولات خود و خدمات جدید بپردازند (۳).

سعی و تلاش متخصصان حوزهٔ کارآفرینی همواره بر این بوده است تا بستری در سازمان ایجاد کنند که زمینه‌های حاکمیت فعالیت‌های کارآفرینانه در سازمان مناسب‌تر و مستعدتر شود. به همین دلیل علم کارآفرینی به‌وجود آمد که در آن رویکرد رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان بررسی می‌شود (۴). ازطرفی توسعهٔ الگوی کارآفرینی در سازمان‌ها و کشورها به‌عنوان راهبردی اثربخش برای توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است. الگوی کارآفرینی به‌معنای کشف فرصت‌ها و بهره‌برداری از این فرصت‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است و زیربنای توسعهٔ پایدار تلقی می‌شود. توسعهٔ کارآفرینی نقش زیادی در بازارهای جهانی و مقابله با رقبا و توسعهٔ عدالت و نیز کاهش فقر در جامعه دارد (۵). امروزه کارآفرینی به عامل مهم‌تر توسعهٔ اقتصادی در جوامع پیشرفته تبدیل شده است و توسعهٔ الگوی کارآفرینی نقش بسزایی در رشد و توسعهٔ اقتصادی جوامع دارد (۶).

مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد بین نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه و تولید ناخالص داخلی رابطهٔ همبستگی وجود دارد؛ ازاین‌رو افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه همواره با افزایش تولید ناخالص ملی[3] روبه‌رو می‌شود و نتیجهٔ آن افزایش درآمد ملی و رفاه و آسایش جامعه است (۴). توسعهٔ مدیریت کارآفرینی مستلزم ارائهٔ آموزش‌ها و مهارت‌های کارآفرینی با رویکرد بازارمحور است و ازطرفی به رفع موانع و ایجاد زمینه‌های مناسب به‌منظور توسعهٔ فعالیت‌های کارآفرینانه نیاز دارد (۷). از سوی دیگر، شاهد افزایش آمار معلولان به دلایل بی‌شمار هستیم؛ به‌طوری‌که حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت کل جهان را معلولان تشکیل می‌دهند (۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد که افراد دارای معلولیت از امکانات رفاهی جامعه کمتر از افراد غیرمعلول بهره می‌برند (۹). چنین تبعیض‌هایی باعث می‌شود که معلولان زندگی سطح ضعیفی داشته باشند و این تفاوت نگرش به معلولان چالش اصلی‌تر زندگی آن‌ها است (۸). این مسائل حتی بر خانواده‌ها و دوستان و نزدیکان آن‌ها تأثیر بسزایی دارد (۱۰).

کار و اشتغال از عوامل بسیار مهم تأثیرگذار بر زندگی افراد دارای معلولیت است و اشتغال عامل مهم‌تر بازگرداندن معلولان به آغوش جامعه است (۱۱). بیشتر نظریه‌ها و تحقیقات کارآفرینی، کارآفرینان را افرادی غیرمعلول و توانا و بدون معلولیت در نظر گرفته‌اند و در تحقیقات از معلولان به‌عنوان کارآفرین یاد نشده است؛ همچنین درخصوص کسب‌وکار آن‌ها تحقیقی صورت نگرفته است (۱۲). به‌منظور ایجاد کارآفرینی و توان‌مندسازی برای کارآفرینی بین معلولان هنوز آموزش‌ها و مهارت‌های لازم برای این قشر پیش‌بینی نشده است و دولت می‌تواند با ایجاد بستری مناسب ازطریق توسعهٔ کارآفرینی مطابق با شرایط فردی و اجتماعی محرومان، گامی مؤثر در گسترش فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی و توزیع عادلانهٔ ثروت درجهت یاری معلولان بردارد (۱۳). باقری و همکاران در تحقیقی با شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانهٔ معلولان مشخص کردند، بین ساختار کارآفرینانه و همهٔ ابعاد آن با کارآفرینی سازمانی رابطهٔ مستقیم و معناداری وجود دارد (۲). ساکسانا و همکاران در پژوهشی کارآفرینی کم‌درآمد را برای کارآفرینان دارای معلولیت ارزیابی کردند. در این تحقیق مؤلفه‌های توانایی، شکست، استرس و نبود اطمینان بررسی شد (۱۴). ویلیامز و پترسون در تحقیقی به کارآفرینی مردان و زنان پرداختند و زمینهٔ جدیدی را برای تحقیق دربارهٔ نقش جنسیت در کارآفرینی معلولان فراهم کردند (۱۵). محمد و جمیل پژوهشی را در کشور هند به‌منظور بررسی موانع کارآفرین‌شدن معلولان و ایجاد بسترهای مناسب برای اشتغال آن‌ها انجام دادند که این موانع صرفاً برای افراد دارای معلولیت است و تأثیری بر افراد غیرمعلول ندارد. شرایط محیطی و شهری می‌تواند یکی از این موانع باشد (۶). در کرهٔ جنوبی نیز هوانگ و رول‌استون در پژوهشی وضعیت و پتانسیل کارآفرینی را برای شرکت‌های کوچک معلولان بررسی کردند. این پژوهش نشان می‌دهد، موانعی باعث شده است که معلولان نتوانند به‌راحتی به کسب‌وکار کوچکی دست پیدا کنند. هریک از قوانین، حمایت‌های دولتی، وام بانکی، آموزش، امور مالی و پشتیبانی تجاری از موانعی‌اند که در این تحقیق یاد شده‌اند (۹).

در ضرورت انجام این پژوهش باید گفت اشتغال و استقلال شغلی افراد دارای معلولیت و ایجاد زمینه‌های مناسب برای حضور این قشر از جامعه در عرصهٔ کارآفرینی از اهمیت زیادی برخوردار است. با حمایت‌های قانونی ارگان‌های ذی‌صلاح از معلولان و باتوجه به درصد زیاد جمعیتی و آمار بیکاری این قشر از جامعه در ایران، با طراحی الگوی مناسب کارآفرینی می‌توان این آمار را به حداقل رساند؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، طراحی الگوی مناسب برای افراد دارای معلولیت با استفاده از رویکرد کارآفرینی بود.

۲ روش‌بررسی

تحقیق حاضر از نظر نوع نتیجه، تحقیقی بنیادی است؛ زیرا پژوهشگر در آن با استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد، به‌دنبال ارائهٔ الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی است. همچنین، این پژوهش از

[1]. People with disabilities

[2]. Entrepreneurship

[3]. Gross national product

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

نظر هدف اکتشافی است و از نظر نوع دادهٔ استفاده‌شده، کیفی محسوب می‌شود. ابزار گردآوری داده‌های کیفی این تحقیق، مصاحبه بود. مصاحبه‌ها با ۲۸ نفر از افراد مجرب و صاحب‌نظر در حوزهٔ کارآفرینی معلولان جسمی و حرکتی انجام پذیرفت. در این مصاحبه‌ها تمامی نکات گفت‌وگوشده ضبط و بررسی شد و تجزیه‌وتحلیل بر آن‌ها صورت گرفت. نمونه‌گیری در پژوهش‌های مبتنی‌بر تئوری داده‌بنیاد با روش نمونه‌گیری نظری (غیراحتمالی) است که این تحقیق از آن استفاده کرد. مراحل تحلیل داده‌ها در نظریهٔ بنیادی به‌شیوهٔ زیر انجام می‌گیرد.

کدگذاری باز: در کدگذاری باز پدیده‌ها نام‌گذاری می‌شوند؛ زیرا مفاهیم، واحد تحلیل در نظریهٔ بنیادی هستند؛

کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری، پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به‌عنوان طبقهٔ محوری انتخاب می‌کند. سپس آن را زیر عنوان پدیدهٔ محوری در مرکز فرایند، تحت کاوش قرار می‌دهد و سرانجام ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند؛

کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی مرحلهٔ اصلی نظریه‌پردازی است که براساس نتایج دو مرحلهٔ پیشین، به تولید نظریه می‌پردازد (۱۶).

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه با متخصصان بود. افراد مشارکت‌کننده از سازمان بهزیستی و انجمن‌های معلولان با سمت‌های مدیریت و رئیس، سرپرست، مشاوران ارشد و مدیران کارآفرینی و نیز ارزیاب ارشد کانون‌های کارآفرینی بودند. به این صورت که با استفاده از پروتکل مصاحبه، با نمونه‌ای از مدیران ارشد سازمان بهزیستی و انجمن‌های معلولان مصاحبه‌هایی انجام پذیرفت و از میان مصاحبه‌ها، اطلاعات لازم برای تحقیق استخراج شد. روش تحلیل داده‌ها براساس رویکرد داده‌بنیاد و با استفاده از کدگذاری و مقوله‌یابی صورت گرفت؛ به‌گونه‌ای که در فاز اولیهٔ تحقیق ازطریق مصاحبه‌های باز با افراد، از موضوع شناخت حاصل شد و همچنین مشاهدهٔ رفتار مدیران شرکت‌ها به عمق‌بخشی به شناخت محقق کمک کرد. بر این اساس و پس از استخراج مقوله‌ها، مدل مفهومی پژوهش ترسیم شد. سه مرحلهٔ کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر داده‌ها انجام گرفت. به این منظور ابتدا داده‌ها خط به خط خوانده شدند و کدهای باز که همان کلمات خود شرکت‌کنندگان بودند، استخراج شدند. در مرحلهٔ بعد، این مقوله‌های مشترک به انضمام مقوله‌های بااهمیت از دید پژوهشگر، به‌عنوان کدهای نهایی مشخص شدند. کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها را باتوجه به ابعاد و مشخصات آن‌ها با یکدیگر مرتبط می‌کند. برای کشف نحوهٔ ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر از ابزار تحلیلی استراوس و کوربین استفاده شد (۱۶).

۳ یافته‌ها

اطلاعات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک مشارکت‌کنندگان

ردیف	شرح		تعداد
۱	تعداد کل شرکت‌کنندگان		۲۸
۲	جنس	مرد	۲۰
		زن	۸
۳	میزان تحصیلات	کارشناسی	۸
		کارشناسی‌ارشد	۱۰
		دکتری	۱۰
۴	سن		۱۰/۴۳±۴۶

شرایط علّی، رویدادهایی هستند که موقعیت‌ها و مسائل مرتبط با یک پدیده را خلق می‌کنند و تشریح می‌کنند که افراد و گروه‌ها، چرا و چگونه به روش‌های خاصی پاسخ می‌دهند (۱۶). شرایط علّی شامل مقولاتی است که به‌طور مستقیم بر الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت در سازمان بهزیستی و انجمن‌های معلولان اثر می‌گذارد یا این عوامل به‌گونه‌ای ایجادکننده و توسعه‌دهندهٔ پدیده هستند. در این پژوهش سه مقولهٔ آمادگی برای تغییر، پیچیدگی فرایندهای کارآفرینی و الزامات محیط فرایندهای کارآفرینی عوامل تجربی‌اند که ایجادکنندهٔ شرایط علّی الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت هستند. مقوله‌های مربوط به شرایط علّی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مقوله‌های شرایط علّی (اصلی، فرعی)

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ اصلی
ریسک‌پذیری اعتماد به موفقیت تمایل به بازخورد سریع اهمیت تعیین متولی برای مدیریت کارآفرینی معلولان اهمیت توان‌مندسازی اهمیت اطلاع‌رسانی از اتفاقات پیش رو	آمادگی برای تغییر	شرایط علّی
توان‌بخشی و آموزش افراد دارای معلولیت و مداخله در ساختار عمومی جامعه به‌منظور متناسب‌سازی محیط	پیچیدگی فرایندهای کارآفرینی	

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

حفظ رعایت حقوق انسانی افراد دارای ناتوانی	
اثرات شرایط فرهنگی کشور بر فرایندهای کارآفرینی	
اثرات مستقیم و غیرمستقیم فرایندهای کارآفرینی	
آینده‌نگری	
داشتن مهارت	
قواعد و قوانین کسب‌وکار خصوصی	الزامات محیط کارآفرینی
نیاز به مدیریت عملکرد	
نیاز به شفافیت	

شرایط زمینه‌ای بیانگر مجموعهٔ خاصی از ویژگی‌های مربوط به پدیده است که به‌شکل عمومی به مکان رویدادها و وقایع مربوط اشاره دارد. ویژگی‌های زمینه‌ای شامل عواملی می‌شود که بدون آن‌ها تحقق الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی امکان‌پذیر نیست و زمینهٔ شرایط خاصی را فراهم می‌کند که در آن راهبردها برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها و متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهد (۸). در این پژوهش، پارادایم فکری بخش دولتی، مسائل ساختاری فرایندی و قوانین و مقررات، عوامل اصلی زمینه‌ای مدیریت الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی است که در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. مقوله‌های شرایط زمینه‌ای (اصلی، فرعی)

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ اصلی
ایجاد زمینه‌های کارآفرینی در فضاهای مجازی		
ایجاد اعتماد و رضایت در معلولان	پارادایم فکری بخش کارآفرینی	
حمایت جامعه و خانواده از برنامه‌های تحصیلی و توانایی‌های معلولان		
داشتن ایدهٔ مناسب و کارا		
داشتن خلاقیت		
منابع مالی اولیه به‌منظور شروع کار		
آشنایی با مدیریت سازمان		
آشنایی با کارآفرینی	مسائل ساختاری کارآفرینی	شرایط زمینه‌ای
نبود نگاه سیستمی		
همسان‌سازی فرهنگ برخورد معلولان با افراد غیرمعلول		
در اولویت‌نبودن کارآفرینی		
نبود قوانین حمایتی		
ایجاد فرصت‌های برابر	قوانین و مقررات کارآفرینی	
روشن‌نبودن بسیاری از تکالیف قانونی		

شرایط مداخله‌گر شامل شرایط عام‌تری همچون زمان، فضا و فرهنگ می‌شود که به‌عنوان تسهیلگر یا محدودکنندهٔ راهبردها عمل می‌کنند. این شرایط در راستای تسهیل یا محدودیت کنشی/کنشی متقابل در زمینهٔ خاصی عمل می‌کند. هریک از این شرایط، طیفی را تشکیل می‌دهد که تأثیر آن‌ها از بسیار دور تا بسیار نزدیک متغیر است (۸). در این پژوهش سه مقولهٔ شیوهٔ تفکر مدیران عالی، آگاهی از ابزارهای مختلف کارآفرینی و ثبات مدیریتی، به‌عنوان مقوله‌های شرایط مداخله‌گر برمبنای الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی در نظر گرفته شده‌اند که در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. مقوله‌های شرایط مداخله‌گر (اصلی، فرعی)

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ اصلی
بی‌اهمیت‌بودن کارآفرینی در همهٔ حوزه‌ها		
توانایی تحلیل ریسک کارآفرینی	شیوهٔ تفکر مدیران عالی	
نگاه ابزاری به کارآفرینی		
حرفه‌ای‌نشدن این گروه در فرآیند ارتباطات اجتماعی		
استفاده‌نکردن از فرصت‌ها به‌علت محدودیت‌های معلولیت		شرایط مداخله‌گر
مشکلات اقتصادی و وضعیت مالی		
نبود آموزش‌های لازم جهت اخذ مجوزها	آگاهی از ابزارهای مختلف کارآفرینی	
نبود حمایت‌های بانکی و نبود تسهیلات		
خالی‌بودن قانون کارآفرینی و مشخص‌نبودن مسیر تعالی		

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

تغییرات مداوم مدیریتی در بخش معلولان نبود سرمایه‌گذاری بر مدیران نخبه و توان‌مند رفع‌نشدن مشکلات و دغدغه‌های موجود معلولان	ثبات مدیریتی

پدیدهٔ مدنظر باید محوریت داشته باشد؛ یعنی همهٔ مقوله‌های اصلی دیگر بتوانند به آن ربط داده شوند و به تکرار در داده‌ها ظاهر شود؛ به این معنا که در همه یا تقریباً همهٔ موارد، نشانه‌هایی وجود دارند که به آن مفهوم اشاره می‌کنند. پدیدهٔ محوری، به ایده یا پدیده‌ای اطلاق می‌شود که اساس و محور فرایندی است که تمام مقوله‌های اصلی دیگر به آن ربط داده می‌شود (۱۶). در این پژوهش، سه مقولهٔ نگرش‌های رفتاری، نگرش‌های کارگزاران و نگرش‌های ساختاری به‌عنوان مقوله‌های محوری برمبنای الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت در نظر گرفته شده‌اند که در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. مقوله‌های محوری (اصلی، فرعی)

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ اصلی
افزایش اعتمادبه‌نفس در شخص و خانواده تغییر نگرش جامعه به توان‌مندی‌های معلولان حضور موفق معلولان در جامعه اعتمادبه‌نفس حضور فعال در جامعه	نگرش‌های رفتاری	مقوله‌های محوری
ایجاد زمینه‌های مناسب اشتغال‌زایی از طرف دولت ایجاد زمینه‌های مناسب اشتغال‌زایی از طرف بخش خصوصی فراهم‌کردن وسائل و عوامل اشتغال معلولان در محیط جامعه ـ مناسب‌سازی تعیین یک چشم‌انداز شناسایی یک فرصت	نگرش‌های کارگزاران	
متناسب‌نبودن اختیارات و مسئولیت‌ها ایجاد بستر کارآفرینی اختصاص بعضی مجوزات به معلولان مثل آرایشگاه و پیک موتوری معرفی استارت‌اپ‌ها و ایجاد زمینهٔ مناسب برای ورود معلولان به این حوزه ایجاد کسب‌وکار اینترنتی	نگرش‌های ساختاری	

راهبردها درواقع طرح‌ها و کنش‌هایی هستند که خروجی مقولهٔ محوری مدل‌اند و به پیامدها ختم می‌شوند. راهبردها، مجموعه تدابیری هستند که برای مدیریت، اداره یا پاسخ به پدیدهٔ تحت بررسی اتخاذ می‌شوند (۱۶). در این پژوهش، سه مقولهٔ تغییرات فرایندی، ارزش‌گذاری کارآفرینی و آگاهی‌بخشی به‌عنوان راهبردها برمبنای طراحی الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی در نظر گرفته شده‌اند که در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. مقولهٔ راهبردها (کنش/واکنش، اصلی، فرعی)

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ اصلی
ایجاد فرهنگ کارآفرینی و نوآوری ریسک‌پذیری توسعهٔ شبکهٔ ارتباطی تعاملی	تغییرات فرایندی	راهبردها
آموزش حرفه‌آموزی به معلولان نگاه فرهنگی به کارآفرینی فرهنگ‌سازی به‌منظور اعتماد به معلول حسابداری منابع انسانی	ارزش‌گذاری کارآفرینی	
تبیین حق و حقوق قانونی کارآفرینان تبیین اقدامات تشویقی تجلیل از معلولان کارآفرین موفق آموزش مهارت‌های شغلی به معلولان	آگاهی‌بخشی	

پیامدها همان بروندادها یا نتایج کنش‌ها و واکنش‌ها هستند (۸). بخش آخر مدل، پیامدهای الگوی کارآفرینی سازمان است که به سازمان‌های

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

مربوط، مرتبط است. باتوجه به کدگذاری باز، مفاهیم مربوط به پیامدهای مدل استخراج شدند و سپس باتوجه به حرکت رفت و برگشت میان تم‌ها و مفاهیم، مقوله‌های اصلی استخراج و نام‌گذاری شدند. بر همین اساس، پیامدها در سه بخش پیامدهای خودشکوفایی، پیامدهای نوآوری و خلاقیت و پیامدهای تفکر مدیران جدید به‌عنوان پیامدهای مبتنی‌بر طراحی الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی طبقه‌بندی شده است. در جدول ۷ مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به پیامدها ذکر شده است.

جدول ۷. مقولهٔ پیامد (اصلی، فرعی)

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ اصلی
رسیدن به خودکفایی		پیامدهای خودشکوفایی
وابستگی‌نداشتن به دیگران		
ایجاد انگیزه در جامعه		
خلاقیت و نوآوری در اجرای امور		پیامدهای نوآوری و خلاقیت
اجازهٔ ابتکار عمل و دادن جسارت به معلولان		
ارائهٔ برنامه‌های جدید		
استفاده از فرصت‌ها		
برخورداری از ابتکار عمل در شرایط پیچیده و مبهم		
توان‌مندسازی افراد دارای معلولیت		
کاهش هزینه‌های آموزش کارکنان		
شرکت در نمایشگاه بین‌المللی و عرضهٔ تولیدات معلولان		
اهمیت و جایگاه رسانهٔ ملی در فرهنگ‌سازی در جامعهٔ معلولان	پیامدهای تفکر مدیران جدید	
برنامه‌ریزی برای آموزش‌های پایه‌ای افراد دارای معلولیت		
برگزاری کارگاه‌های پشتیبانی شغلی از سوی بهزیستی		

مدل پارادایمی این تحقیق براساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین و یافته‌های تحقیق و شرایط، مدل و الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی طراحی شد. تبیین عوامل ایجادکنندهٔ این الگو، دغدغهٔ اصلی پژوهش حاضر بود. مدل پارادایمی تحقیق نشان‌دهندهٔ جریان فرایندها و فعالیت‌هایی بود که در بستر مطالعه اتفاق افتاد. این مدل یکی از ارکان اصلی روش گراندد‌تئوری (نظریهٔ داده‌بنیاد) است که در روش استراوس و کوربین استفاده می‌شود. این مدل از پنج قسمت شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها تشکیل شده است. در مرکز مدل نیز پدیدهٔ مرکزی قرار دارد که فعالیت‌ها حول آن شکل می‌گیرد. پدیدهٔ مرکزی (محوری) جریان فرایندها و فعالیت‌هایی را که در بستر این تحقیق اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد. مدل پارادایمی پژوهش به‌شرح شکل ۱ آورده شده است.

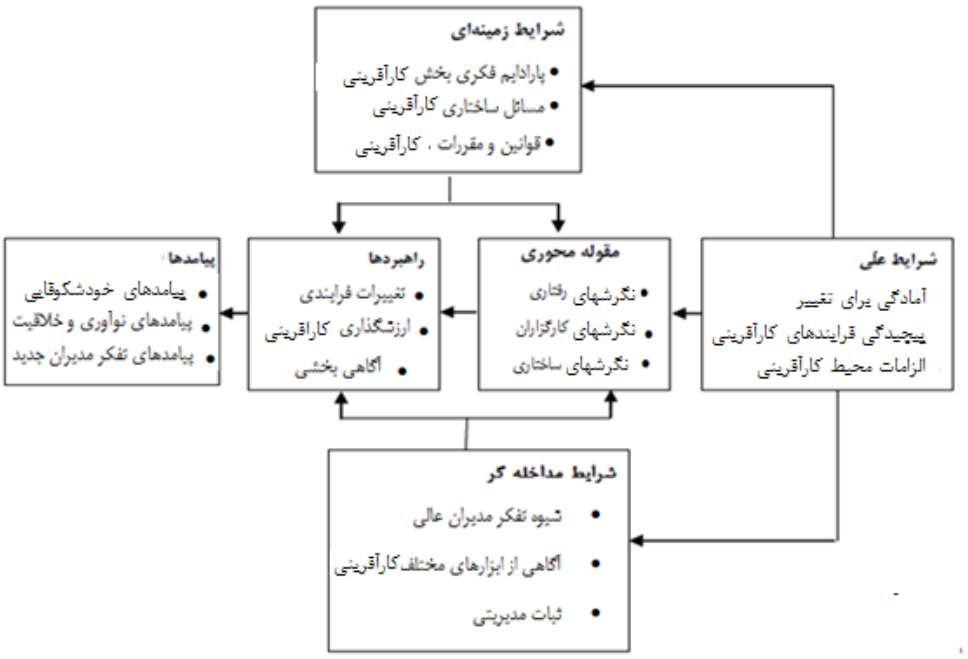

شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

۴ بحث

شرایط علّی شامل مقولاتی است که به‌طور مستقیم بر الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی در سازمان بهزیستی و انجمن‌های معلولان اثر می‌گذارد. در این پژوهش سه مقولهٔ آمادگی برای تغییر، پیچیدگی فرایندهای کارآفرینی و الزامات محیط فرایندهای کارآفرینی عوامل تجربی بودند که توانستند ایجادکنندهٔ شرایط علّی الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی باشند. محمد و جمیل در پژوهشی دربارهٔ موانع کارآفرینی افراد دارای معلولیت در هند دریافتند، ایجاد فرایندهای کارآفرینی در سازمان‌های دولتی و خصوصی نقش بسیار حیاتی دارد (۶) که با نتایج این پژوهش در سازهٔ زیرساخت‌های کارآفرینی معلولان هم‌راستاست.

در این پژوهش، پارادایم فکری بخش کارآفرینی، مسائل ساختاری کارآفرینی و قوانین و مقررات کارآفرینی، عوامل اصلی زمینه‌ای مدیریت الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی بودند. در همین راستا رضایی و همکاران در تحقیقی با بررسی رابطهٔ ابعاد مختلف عدالت سازمانی با کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های کوچک دریافتند، اندازهٔ شرکت یکی از عوامل تأثیرگذار ساختاری است (۵) که با نتایج این پژوهش همسوست. درنهایت هوانگ و رول‌استون در تحقیقی با بررسی فعالیت افراد دارای معلولیت در شرکت‌های کوچک کرهٔ جنوبی به این نتیجه رسیدند که قوانین و مقررات یک شرکت مسلماً با میزان توسعهٔ کارآفرینی آن در ارتباط است (۹).

در این پژوهش سه مقولهٔ شیوهٔ تفکر مدیران عالی، آگاهی از ابزارهای مختلف کارآفرینی و ثبات مدیریتی به‌عنوان مقوله‌های شرایط مداخله‌گر برمبنای الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی در نظر گرفته شد. با بررسی عوامل مداخله‌گر، نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق رضایی و همکاران در زمینهٔ شناسایی موانع توسعهٔ کارآفرینی سازمانی هم‌راستاست (۵)؛ ضمن اینکه سازمان‌های مطالعه‌شده در این پژوهش دارای جهت‌گیری جدید در زمینهٔ کارآفرینی هستند و موانع توسعه‌آفرینی با نتایج پژوهش‌های ویلیامز و پترسون درخصوص دستورالعمل‌های جدید کارآفرینی ازطریق لنز جنسیتی (زن ـ مرد) و ناتوانی (سالم ـ معلول) همخوانی دارد (۱۵). ازطرفی، شرکت‌های کارآفرین سطح بیشتر اشتغال را در دنیا به خود اختصاص داده‌اند که با نتایج پژوهش رضایی و همکاران درخصوص رابطهٔ ابعاد مختلف عدالت سازمانی با کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های کوچک همخوان است (۵).

در این پژوهش سه مقولهٔ نگرش‌های رفتاری، نگرش‌های کارگزاران و نگرش‌های ساختاری به‌عنوان مقوله‌های محوری برمبنای الگوی کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی در نظر گرفته شد. محمد و جمیل در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در مواقعی، نگرش‌های رفتاری ذی‌نفعان یا ملاحظات اخلاقی که ممکن است توسط تصمیم‌گیرندگان قضاوت شود، خیلی مهم‌تر از شواهد پژوهش‌های خارجی است؛ به همین دلیل در تصمیم‌گیری باید بیشتر بر آن تأکید شود (۶). به‌علاوه رضایی و همکاران درخصوص لحاظ‌کردن فاکتورهای ساختاری در سازمان در زمان تصمیم‌گیری مدیریتی بحث می‌کنند و می‌گویند که نگرش‌های ساختاری باید سرلوحهٔ فرایند تصمیم‌گیری مدیریتی مبتنی‌بر شواهد باشد (۵).

ساکسانا و همکاران در تحقیقی دربارهٔ ارزیابی کارآفرینی افراد دارای معلولیت بیان کردند، برای آغاز تصمیم‌گیری راهبردی در سازمان، ابتدا باید دربارهٔ وضعیت پیامدهای موجود و مطلوب سازمان باتوجه به محیط بیرونی و داخلی آسیب‌شناسی انجام شود (۱۴). این موضوع سبب می‌شود که ضمن شناسایی موضوعات استراتژیک در سازمان، نیاز به تصمیم‌گیری شفاف و باثبات احساس شود. در پاسخ به این نیاز، رفتاری که سازمان از خود نشان می‌دهد برطبق مدل به‌دست‌آمده از تئوری داده‌بنیاد در این پژوهش، راهبردی مبتنی‌بر نوآوری و خلاقیت و تفکر مدیران جدید خواهد بود که با لحاظ‌کردن برنامه‌ریزی و ارزیابی نقادانهٔ گزینه‌های اجرایی شکل می‌گیرد. ازطرفی، هوانگ و رول‌استون در تحقیق خود درخصوص فعالیت‌های افراد معلول به فرهنگ نوآورانه و کار مشارکتی در سازمان توجه ویژه‌ای کرده‌اند (۹).

براساس یافته‌های پژوهش حاضر باید دولت با تدوین قوانین و مقررات و ایجاد ساختار مناسب برای معلولان، شرایط زمینه‌ای را برای حضور معلولان در عرصهٔ کارآفرینی آماده کند. در همین راستا، بالکازار و همکاران در ایالات متحده با بررسی الگوی ایجاد محیط کارآفرینی برای افراد معلول نشان دادند، با حمایت وزارت کار و دفتر سیاست اشتغال افراد دارای معلولیت و ایجاد یک برنامهٔ کارآفرینی برای این افراد به‌منظور ایجاد بستر مناسب توان‌مندسازی و نیز تسهیل خودکفایی اقتصادی برای افراد معلول، می‌توان زمینه را برای حضور معلولان در عرصهٔ کارافرینی به‌وجود آورد (۱۷).

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق، ایجاد تغییر در نگرش مدیران عالی کشور به توان‌مندی‌های معلولان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با ابزارهایی چون سمینار، همایش، کارگاه‌های تخصصی و دستورالعمل‌های اجرایی در زمینهٔ پذیرش معلولان در عرصه‌های مختلف مدیریتی و کارآفرینی است. از سوی دیگر، تغییر در نگرش جامعه و خانواده‌ها دربارهٔ توان‌مندی‌های نهفته در معلولان و حضور در جامعه برای کارآفرینی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ این امر وظیفهٔ سازمان‌های مرتبط با امور معلولان است که باید به این تغییرات واکنش نشان دهند و برنامه‌های تدوین‌شده از سوی دولت را اجرایی کنند. غفارپور نفتچی و محمدی در پژوهشی دربارهٔ عوامل مؤثر بر پذیرش افراد دارای ناتوانی در جامعه نشان دادند، یکی از عوامل مؤثر، دیدگاه‌های مدیریتی دربارهٔ افراد معلول است و این فرهنگ مدیریتی نیز باید اصلاح شود؛ همچنین با ایجاد امکانات و شرایط مناسب نظیر امکانات آموزشی، رفت‌وآمد، اوقات فراغت و مانند این‌ها و حمایت بیشتر از این افراد فرصت حضور آن‌ها در جامعه بیشتر می‌شود و زندگی آنان بهبود می‌یابد (۱۸). ویریری و همکاران با بررسی مشارکت افراد دارای معلولیت در برنامه‌های کارآفرینی در زیمبابوه به این نتیجه رسیدند که کنارگذاشتن این قشر از جامعه از عرصهٔ کارآفرینی منجربه فقیرشدن این افراد در جامعه خواهد شد؛ چراکه پذیرش این افراد در عرصهٔ کسب‌وکار بسیار سخت و مشکل است (۱۹)؛ حتی داشتن تحصیلات عالی در بین این افراد کمک چندانی برای حضور در عرصهٔ کارآفرینی نمی‌کند. بومن و همکاران در کشور سوئد با تحقیق دربارهٔ فرصت‌های شغلی افراد ناتوان نشان دادند که نوع معلولیت و

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

جنسیت زن یا مردبودن و تحصیلات تأثیر مستقیم بر اشتغال این افراد دارند. زنان دارای معلولیت شانس کمتری برای جذب دارند و بدون حمایت دولت، افراد معلول با تحصیلات عالی شانس کمتری دارند که بتوانند در عرصهٔ کارآفرینی حضور پیدا کنند (۲۰)؛ بنابراین تدوین قوانین از سوی دولت، مناسب‌سازی فضاهای اداری و شهری از سوی ارگان‌های مربوط، حمایت‌های مالی بانک‌ها، تشویق‌های مالیاتی و تغییر در نگرش و آگاهی‌بخشی کامل به معلول و خانوادهٔ معلول و مدیران ارشد کشور، پایه و اساس الگوی کارآفرینی معلولان است؛ همچنین سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان متولی اصلی‌تر امور معلولان جسمی‌حرکتی در ایران باید برای اجرایی‌شدن این الگو اقدام کند.

۵ نتیجه‌گیری

به‌طورکلی براساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، الگوی پارادایمی طراحی‌شده الگویی مطلوب و مناسب برای کارآفرینی افراد دارای معلولیت جسمی‌حرکتی است. یافته‌های تحقیق و روابط بین مقوله‌های شناخته‌شده نشان می‌دهد که این الگو می‌تواند بسترهای مناسبی را برای تدوین قوانین، حمایت‌های مالی، آموزش‌های لازم، تغییر نگرش جامعه و مدیران به معلولان و خودشکوفایی معلولان به‌وجود آورد. این امر باعث بهبود زندگی و کاهش آمار بیکاری افراد دارای معلولیت خواهد شد. یافته‌های پژوهش برای سازمان بهزیستی و انجمن‌های معلولان و نیز سایر سازمان‌ها و شرکت‌های کارآفرین با محوریت افراد دارای معلولیت (جسمی‌حرکتی) کاربرد خواهد داشت.

۶ تشکروقدردانی

بدین وسیله از تمامی مدیران انجمن‌های معلولان و مدیران ارشد سازمان بهزیستی و معلولان عزیز که در گردآوری این پژوهش همکاری مطلوبی داشتند، تشکر می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول مقاله با کد ۱۸۴۴۸۲۱۲۰۳۳۹۹۴۵۱۳۹۷۱۶۲۲۶۱۴۹۱ است. تمامی شرکت کنندگان به صورت کتبی اطلاعاتی دربارهٔ پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت نمودند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد. همچنین به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

رضایت‌نامهٔ انتشار

غیر قابل اجرا است.

تزاحم منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش با هزینهٔ شخصی و بدون هیچ حمایت مالی سازمان یا نهادی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسندهٔ اول مقاله مسئول تهیهٔ نسخهٔ اولیهٔ دست‌نوشته، جمع‌آوری داده‌ها ومسئول آنالیز و تفسیر داده‌ها بود. نویسندهٔ دوم مسئول بازنگری و تحلیل داده‌ها و همکار اصلی بود. نویسندهٔ سوم مسئول بازنگری متن و آنالیز داده‌ها بود و نویسندهٔ چهارم مسئول بازنگری متن بود. همهٔ نویسندگان نسخهٔ نهایی دست‌نوشته را خواندند و تأیید کردند.

References

1. Jafari E, Sheidaei F. Era’e olgouye karafarini zanan dar Iran [Presentation of women entrepreneurs in Iran] In: National Conference on Entrepreneurship and Knowledge-based Business Management [Internet]. Iran, Babolsar; 2012. Availble from: https://civilica.com/doc/175005/
2. Bagheri A, Taghavi Maryam Abadi F, Arasti Z. Identifying entrepreneurial competencies focusing on entrepreneurs with physical and mobility disabilities. Journal of Entrepreneurship Development. 2015;8(3):473–92. [Persian] doi: 10.22059/jed.2015.57646
3. Moghimi SM. Corporate entrepreneurship: obstacles and alternatives the case of industrial corporations in Iran. Jouranal Entrepreneurship Research. 2007;1(1):87–119.
4. Niknahad S, Hosseini SE, Razavi SMH. The relationship between organizational structure and entrepreneurships of managers in I.R.I physical education organizations. Sport Management Studies. 2015;7(30):139–52. [Persian] https://smrj.ssrc.ac.ir/article_450_7014c19c665f5ff74021c677e42c60eb.pdf
5. Dizgah MR, Alipour H, Dinachali A. The Relationship between different dimensions of organizational justice and organizational entrepreneurship in small Firms. Journal of Productivity Management. 2011;5(1):107–27. Jpm.iaut.ac.ir/article_519346.html
6. Mohammad AJ, Jamil SA. Entrepreneurial barriers faced by disabled in India. Asian Social Science. 2015;11(24):72–8. doi: 10.5539/ass.v11n24p72
7. Ziviar F, Farahani A, Keshavarz L. Identification of structural obstacles to organizational entrepreneurship in the ministry of sport and youth. Organizational Culture Management. 2017;15(1):187–205. [Persian] doi: 10.22059/jomc.2017.61282

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]

8. Rahbar F, Momayez A, Mohammadi S. Identifying the factors influencing activity of technology-based small and medium sized enterprises in the services field for the disabled (case study: the urban management of Tehran). Journal of Iranian Social Development Studies. 2013;5(4):57–70. [Persian] http://jisds.srbiau.ac.ir/article_2442_14d312589f63d44967c18433a3884cae.pdf
9. Hwang SK, Roulstone A. Enterprising? disabled? the status and potential for disabled people's microenterprise in South Korea. Disability & Society. 2015;30(1):114–29. doi: 10.1080/09687599.2014.993750
10. Nouri A. Janbe-haye ravanshenakhti natavani jesmi, eshteghal be onvan mohemtarin amel [Aspects of psychology, physical employment, employment as the most important factor]. Applied Sociology;1995;7(8):85–106. [Persian]
11. Moradi A, Amiri S, Malek-por M, Mowlavi H, Nori A. Effect of self-efficacy group training on quality of life and entrepreneurial behaviour in physically disabled females. Women's Studies Sociological and Psychological. 2009;7(3):71–98. [Persian] doi: 10.22051/jwsps.2009.1369
12. Nawazesh Roni N. Disabled entrepreneurship: A viable route of opportunity for the disabled? In: MMUBS Doctoral Symposium [Internet];2009. Availble from: http://www.pw.seipa.edu.pl/s/p/artykuly/93/938/Disabled%20entrepreneurship%202009.pdf
13. Powers T. Recognizing ability : the skills and productivity of persons with disabilities: literature review [Internet]. ILO Working Papers; 2008. Report No.: 994131063402676. Available from: https://ideas.repec.org/p/ilo/ilowps/994131063402676.html
14. Saxena SS, Pandya RSK. Gauging underdog entrepreneurship for disabled entrepreneurs. Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy. 2018;12(1):3–18. doi: 10.1108/JEC-06-2017-0033
15. Williams J, Patterson N. New directions for entrepreneurship through a gender and disability lens. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research. 2019;25(8):1706–26. doi: 10.1108/IJEBR-12-2017-0499
16. Corbin JM, Strauss AL. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. Los Angeles, Calif: Sage Publications, Inc; 2014, pp:220–82.
17. Balcazar FE, Kuchak J, Dimpfl S, Sariepella V, Alvarado F. An empowerment model of entrepreneurship for people with disabilities in the United States. Psychosocial Intervention. 2014;23(2):145–50. doi: 10.1016/j.psi.2014.07.002
18. Ghafarpoor Nafchi S, Mohammadi A. Effective factors contributing to acceptance of people with disability in the society (case study: Shahrekord). Archives of Rehabilitation. 2017;18(3):202–11. [Persian] doi: 10.21859/jrehab-1803202
19. Viriri P, Makurumidze S. Engagement of disabled people in entrepreneurship programmes in Zimbabwe. Journal of Small Business and Entrepreneurship Development. 2014;2(1):1–30.
20. Boman T, Kjellberg A, Danermark B, Boman E. Employment opportunities for persons with different types of disability. Alter. 2015;9(2):116–29. doi: 10.1016/j.alter.2014.11.003

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-06-20]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.199.8]